



به نام پروردگار آفتاب گرما بخش

سال گذشته ، همراه خانواده به یکی از شهرهای کویری سفر کردیم . در راه بیابان ها را نگاه می کردم، تپّه های ماسه ای زیر نور آفتاب بسیار زیبا بودند.

هر بار که باد تندی می وزید ، صدای وزیدن باد به گوشم می خورد. شن و ماسه ها به هوا بلند می شدند .

ناگهان چشمم به تابلوی کنار جاده افتاد ، نوشته بود ۴۷ کیلو متر تا یزد . از پدرم پرسیدم چقدر راه مانده ؟

گفت : تقریباً ۵۰ کیلومتر مانده ، نیم ساعت دیگر می رسیم .

من خیلی خوش حالم که در کلاس دوم با آموختن درس های جدید ، متوجه صحبت های پدرم می شوم.

خدایا تو را سپاس می گویم.

موفق باشید.